

شما در خیر و شر ناشی از سیاست ها، عملکردها و موضعگیری های داوطلبی که نامزدی وی را تأیید می کنید، شریک هستید.  
در نامه توکلی به شورای نگهبان عنوان شد؛



احمد توکلی با ارسال نامه سرگشاده‌ای به اعضای شورای نگهبان، با اشاره به مواردی از تجربه کشورداری و مدیریت محمود احمدی، وی را فاقد صلاحیت‌های مصرح در قانون برای تصدی ریاست جمهوری دانست و خواستار رد صلاحیت وی شد.

به گزارش اسپادانا خبر در این نامه آمده است: درباره داوطلبی آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد به دلایل مشروح زیر به طور اطمینان بخش می‌توان نتیجه گرفت که مشخصات لازم برای تأیید صلاحیت را از دست داده است یا از اول نداشته ولی رو نشده بود:

عدم اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی

مبانی جمهوری اسلامی شاید بهتر از همه جا در اصل یکصد و هفتاد و هفتم جمع شده باشد که وجوه غیرقابل تغییر قانون اساسی را روشن می‌سازد:

1) اسلامی بودن نظام

2) مبتنی بودن همه قوانین و مقررات بر احکام و موازین اسلامی

3) پایه‌های ایمانی و اهداف اصلی جمهوری اسلامی

4) حکومت و ولایت امر

5) دین و مذهب رسمی کشور

6) اداره امور با اتکال به آرای عمومی

ترجمان اغلب این مبانی در شکل شاخص ارزیابی را می‌توان میزان تبعیت از ولایت فقیه و کار براساس قانون دانست؛ یعنی تمسک و احترام به اسلامیت و جمهوریت نظام.

در ادامه این نامه آمده است آقای احمدی‌نژاد به ولایت فقیه پایبند نیست. غیر از موارد اعلام نشده که سیاستمداران دست اندر کار از وی سراغ دارند، شرح به دو حادثه روشن در این باره کافی است:

1) عدم تمکین نسبت به دستور رهبری در انتصاب مشایبی

پس از آنکه احمدی‌نژاد حکم معاون اولی را به رحیم مشایبی داد که خبر آن در تاریخ 27 تیر 1388 منتشر شد، بلافاصله در همان تاریخ 27 تیر، رهبر انقلاب طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: «... لازم است انتخاب مزبور ملغی و کان لم یکن اعلام گردد.» ولی آقای احمدی‌نژاد از اجرای این دستور صریح طفره رفت و پیغام شفاهی متعاقب نامه نیز نتیجه نداد. جناب آقای ابوترابی و بنده جداگانه از طریق دفتر از حکم رهبری و استنکاف رئیس‌جمهور مطلع شدیم و در تاریخ 30 تیر 88 ضمن مصاحبه ماجرا را آشکار کردیم تا فشار افکار عمومی وی را مجبور به اطلاعیت کند. ولی در همین روز ثمره هاشمی دستیار ارشد احمدی‌نژاد طی مصاحبه‌ای اعلام کرد «در انتصاب آقای مشایبی به معاونت اولی رئیس‌جمهور هیچ تجدیدنظری صورت نخواهد گرفت» (خبر آنلاین 30/04/1388) و روز بعد 31 تیر 88 آقای احمدی‌نژاد در مراسم تودیع مشایبی از معاونت گردشگری رئیس‌جمهور به مدیحه‌سرایی از مشایبی می‌پردازد و او را مرد بزرگ، برادری پاک و مؤمن، چشمه‌ای زلال که ذره‌ای غش در او نیست و به ایشان هجوم می‌شود و «متأسفانه برخی وی را نمی‌شناسند» وصف می‌کند.

ادامه فشار افکار عمومی [و انتشار تصویر نامه مقام معظم رهبری در 2/04/88] سرانجام در تاریخ 3 مرداد در قالب استعفای

رحیم مشایی و پذیرش آن، دستور ملغی کردن حکم انتصاب را منتفی کرد. در واقع به جای الغای حکم آن را بدون موضوع ساخت.

2) خودسری در قبال دستور ولی امر در ماجرای عزل وزیر اطلاعات بعد از آنکه آقای مصلحی یکی از مسئولان تحت حمایت مشایی در وزارت اطلاعات را عزل می‌کند، احمدی‌نژاد روز شنبه 27/1/90 او را می‌خواهد و به او می‌گوید استعفا بده و مشاور امنیتی باش. آقای مصلحی هر دو پیشنهاد را رد می‌کند و موضوع به دفتر رهبری خبر داده می‌شود. روز یکشنبه در پایان جلسه هیأت دولت آقای احمدی‌نژاد خبر استعفای دروغین وی و پذیرش مشاورت امنیتی را در جلسه اعلام می‌کند. از آن طرف حضرت آقا نامه‌ای به رئیس‌جمهور می‌نویسد و خودشان در پاکت می‌گذارند و به دست یکی از اعضای دفتر می‌دهند تا مستقیم به دست رئیس‌جمهور بدون آنکه نامه را ثبت کنند. (رعایت نهایت اخلاق) حامل نامه بیرون جلسه هیأت دولت وقتی آقای احمدی‌نژاد از جلسه خارج می‌شود نامه را به دست وی می‌دهد. او پاکت را باز می‌کند و می‌گوید دیگر دیر شده فردا خودم خدمت آقا می‌رسم. دوباره آقا پیام شفاهی می‌دهند که همین امشب باید اصلاح شود؛ اما خبری نمی‌شود. بعد از جلسه هیأت دولت، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت ساعت 21:02 خبر جعلی استعفا و پذیرش مشاورت را منتشر می‌سازد. بلافاصله بعد از انتشار این خبر دروغ، از دفتر رهبری به سایت‌ها از جمله سایت الف گفتند که خبر را بردارند اما این خبر دروغ در روزنامه‌های دوشنبه از جمله روزنامه ایران منتشر شد. روز دوشنبه آقای احمدی‌نژاد در ملاقات با حضرت آقا هر چه می‌کوشید، رهبری از ابقای مصلحی صرف نظر نمی‌کند. رهبری طی نامه‌ای به تاریخ سه‌شنبه 30/1/90 به آقای مصلحی، به وی دستور می‌دهند که در محل کار خود حاضر نشود بدون آنکه «کوچکترین فترت و سستی در انجام وظایف قانونی پیش آید» وزارتخانه را اداره کند.

آقای احمدی‌نژاد با آنکه این همه اصرار را مشاهده می‌کند، زیر بار نمی‌رود. روز سه‌شنبه در مجلس نمایندگان در نامه‌ای خطاب رئیس‌جمهور، او را از سرکشی نهی می‌کرد. آن هم سودی نبخشید. در جلسه بعدی هیأت دولت، روز چهارشنبه مصلحی دعوت نمی‌شود، سفر آخر هفته هیأت دولت به کردستان بود که باز آقای مصلحی دعوت نمی‌شود. شنبه 3/2/90 پس از بازگشت از کردستان آقای احمد نژاد خانه‌نشینی را آغاز کرد. در مدت 11 روزه خانه‌نشینی ده‌ها شخصیت از جمله آیت‌الله جنتی و آیه‌الله یزدی از سر خیرخواهی با او صحبت کردند ولی نصیحت هیچ کدام مؤثر نشد. سرانجام وقتی از لجاجت و سرکشی نتیجه‌ای نگرفت مدعی شد که در این مدت بیمار بوده است. از آیت‌الله جنتی بپرسید جمله معروفی را که خطاب به احمدی‌نژاد فرمودند چه بود. عدم اجرای دستورات ولی‌فقیه در ضمن مطالب آئی نیز آشکار می‌شود.

3) الحاق غیرقانونی سازمان حج و زیارت به سازمان گردشگری ماجرای الحاق جنجالی سازمان حج و زیارت به سازمان گردشگری و میراث فرهنگی به خواست و اراده احمدی‌نژاد- مشایی، به رغم مخالفت رهبر انقلاب، از زبان آقای ری‌شهری نماینده سابق ولی‌فقیه در امور حج و زیارت چنین است: در ارتباط با این الحاق مقام معظم رهبری 3 نامه نوشته‌اند. در نامه اول دفتر نظر مخالف معظم له را به اطلاع احمدی‌نژاد رساندند، چون یک هفته از اصلاح کار خبری نشد نامه مجدداً با مهر آئی برای رئیس‌جمهور ارسال شد. نامه دوم را مقام معظم رهبری با دست خط خودشان برای رئیس‌جمهور نوشته بودند. بعد از این دو نامه و هنگامی که مشاهده شد دولت همچنان در پی عملی ساختن تصمیم خود است و ضمناً حکم آقای لیالی توسط آقای مشایی صادر گردید و به ذی‌حسابی هم دستور مسدود کردن حساب سازمان حج ابلاغ گردید، آیت‌الله خامنه‌ای دستور می‌دهند نامه سوم خطاب به من نوشته شود. در این نامه آمده است:

«... مقرر گشت وضعیت به شیوه سابق باقی بماند لذا مقتضی است جنابعالی برنامه‌های خود را طبق روال سابق ادامه دهید. وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس محترم سازمان حج و زیارت در جریان امر قرار گیرند...»  
رئیس هیأت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت، قانون‌شکنی و تجری نسبت به قوانین را دلیل دیگری برای فقدان صلاحیت محمود احمدی‌نژاد برای ریاست جمهوری دانسته و آورده است:

به موجب اصل یکصد و سی و دوم قانون اساسی، رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.  
یکی از مظاهر و جلوه‌های مهم اصل حاکمیت قانون در عرصه حقوق عمومی این است که تمامی اقدامات و تصمیمات مقامات اداری و سیاسی از جمله رئیس‌جمهور باید براساس موازین قانونی و شرعی صورت گیرد و در صورت عدم رعایت موازین یاد شده مقنن اساسی راهکارهای لازم برخورد را پیش‌بینی و ضمانت اجرای لازم را نیز تعیین کرده است.  
به موجب اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی، رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

عبارت «موظف است» مذکور در این اصل دلالت بر تکلیف و اجبار رئیس‌جمهور دارد و نمی‌توان از منطوق این اصل اختیار رئیس‌جمهور را در رد و یا عدم امضای قوانین استنباط کرد. لذا هرگونه برداشت دیگری از این اصل که منجر به اعطای صلاحیت به رئیس‌جمهور در رد یا عدم امضای قوانین شود، مردود است؛ اما آقای احمدی‌نژاد در تاریخ 13/3/89 طی نامه‌ای به شورای نگهبان مدعی اختیاراتی در این زمینه می‌شود که آیه‌الله جنتی چنین پاسخ می‌دهد:  
«جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد

رئیس‌جمهور محترم  
سلام علیکم

نامه شماره 58144 مورخ 16/3/1389 جنابعالی که علیرغم انتظار ما در رسانه‌ها نیز منتشر گردید واصل و موضوع نامه در جلسه مورخ 19/3/89 شورای نگهبان مطرح گردید.

از آنجا که در متن این نامه به نکاتی اشاره شده است مقرر گردید موارد ذیل به اطلاع جنابعالی برسد:

همانگونه که جنابعالی به درستی در نامه خود مرقوم نموده‌اید مرجع تشخیص خلاف شرع و یا خلاف قانون اساسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی شورای نگهبان می‌باشد که این شورا نیز براساس قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی خود در انجام این وظیفه قانونی دقت لازم و کافی را معمول داشته است، اما یادآور می‌گردد که پس از تشخیص این شورا و طی مراحل نهایی، سایر مقامات و نهادها وظیفه‌ای جز اجرای قانون و رعایت آن ندارند... بدیهی است دولت محترم نیز چنانچه از نظر کارشناسی و مصلحت‌سنجی نظرراتی داشته باشد مقتضی است در هنگام طرح مصوبات در مجلس شورای اسلامی آنرا با نمایندگان محترم مجلس در میان گذاشته تا مورد توجه واقع شود.

در خصوص مسئولیت اجرای قانون اساسی موضوع اصل 113، این شورا در گذشته نظراتی داشته که توجه حضرتعالی را به نظرات مذکور جلب می‌نماید. ... علاوه بر اینکه مستفاد از اصل 113 قانون اساسی این نیست که رئیس‌جمهور محترم بتواند در مصادیق و جزئیات وظایف و اختیارات مسئولین مختلف نظام دخالت کند. در پایان یادآور می‌شود که رئیس‌جمهور محترم در صورت نیاز به بررسی بیشتر می‌تواند از شورای نگهبان تقاضای تفسیر اصل یا اصولی از اصول قانون اساسی را بنماید.

دبیر شورای نگهبان  
احمد جنتی»

این نامه در رسانه‌ها منتشر شد. در حالی که چند سال پیش از آن در سال 1386 مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه رئیس مجلس شورای اسلامی، آقای حداد عادل، پس از عدم امضا و عدم ابلاغ قانون اصلاح جداول 4 و 8 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون بودجه سال 1386 کل کشور به منظور تأمین کسری اعتبار گازرسانی به روستاهای کشور، توسط رئیس‌جمهور، طی حکمی حکومتی اعلام فرموده بودند: «تمامی مصوبات قانونی که فرآیند مذکور در قانون اساسی را طی کرده است برای همه قوای کشور لازم الاجراست.»

په رغم صدور این حکم رهبری و آن مکاتبه با شورای نگهبان با آن پاسخ صریح آیه [جنتی] را در تاریخ 23/3/89 در پی داشت، آقای رئیس‌جمهور در تاریخ 20/5/89 اعلام می‌کند که «آن دسته از مصوبات مجلس را که اجرا نمی‌کنم، قانون نمی‌دانم» وی ضمناً به مکاتبه خویش با شورای نگهبان چنین اشاره می‌کند: «من دو مورد را ابلاغ نکردم و این را نیز اعلام کردم. در مورد یکی از آن‌ها (سنددار کردن زمین‌های داخل روستاها و حریم روستاها) نامه‌ای به شورای نگهبان نوشتم و شورا نیز گفت چون مراحل قانونی طی شده باید کار خود را بکنید و در واقع آن را ابلاغ کنید.» (خبرآنلاین چهارشنبه 20 مرداد 1389 - 16:47:00) اما بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد صحبت یکی دو مورد نیست. از ابتدای سال 1389 تا 2/2/1390 از مجموع 93 قانون ابلاغ شده به رئیس‌جمهور در این دوره زمانی، صرفاً در چهار مورد، رئیس‌جمهور طرف مهلت قانونی پنج روزه وظیفه امضا و ابلاغ را انجام داده است. در 76 مورد، ابلاغ قوانین توسط رئیس‌جمهور خارج از مهلت پنج روزه قانونی صورت گرفته و در 15 مورد بقیه پس از عدم اقدام لازم از سوی رئیس‌جمهور، توسط رئیس مجلس شورای اسلامی به روزنامه رسمی ارسال شده است.

به همین دلیل رهبری در تاریخ 5/2/90 باز بر عمل به مصوبات مجلس تأکید فرمودند: «مصوبات مجلس به عنوان قانون، قطعاً مورد حمایت رهبری است و قانون هم باید عمل شود.»

اما آقای احمدی‌نژاد همچنان بر موضع غیرشرعی، غیرقانونی و لجوجانه خویش پافشاری کرد. از جمله در مصاحبه شبکه یک سیما که در 15/6/91 در رسانه‌ها منتشر شد، بخش مهمی از مصاحبه خویش را به ذکر اهمیت قانون اساسی و ضرورت پایبندی بدان و اینکه در سطوح بالا هم خیلی‌ها قانون اساسی نمی‌دانند، اختصاص داد و درباره خویش گفت: «... بالاخره وقتی چیزی تصویب می‌شود و من می‌بینم خلاف قانون اساسی است نباید امضا کنم. اتفاقاً تفسیر شورای نگهبان هم این است که اگر رئیس‌جمهور دید چیزی خلاف قانون اساسی بود، نباید امضاء کند. امضاء نمی‌کنم سروصدا درست می‌شود... تشخیص رئیس‌جمهور به نمایندگی از ملت [است]، رئیس‌جمهور نماینده کل ملت است. نمایندگان محترم‌اند، شوراها محترم‌اند، ولی نماینده کل ملت نیستند، گرچه ممکن است بتوانند در همه امور دخالت کنند؛ اما تنها کسی که نماد تصمیم ملت است، رئیس‌جمهور است. قانون اساسی این اختیار را به رئیس‌جمهور داده است که اگر چیزی را خلاف قانون و خلاف مصلحت دید امضاء نکند. من امضاء نکردم، من حق ندارم چیزی را که خلاف قانون اساسی است امضاء کنم.»

این حد از خلاف‌گویی، بی‌پروایی، خودسری، خودشیفتگی و تجری را در کدام یک از مسئولان نظام سراغ دارید؟ حتی بنی‌صدر نیز چنین نبود. درست برعکس آنچه آقای احمدی‌نژاد ادعا کرد، در اینجا اصل یکصد و بیست و سوم، فقط و فقط یک وظیفه (و نه اختیار) برای رئیس‌جمهور در قبال مصوبات مجلس پس از تأیید شورای نگهبان قائل است و آن هم امضای آن و ابلاغ برای اجراست. از این همه بی‌پروایی در کلام وقتی شگفت‌زده‌تر می‌شویم که ایشان مدعی می‌شود، حتی اگر قانونی را خلاف مصلحت هم دید حق دارد آن را امضا نکند، چون نماد تصمیم ملت ایران است! این دیگر تکمیل استبداد است چرا که بالملازمه نافی وجود مجلس است.

این جمله نیز دروغ است که «اتفاقاً تفسیر شورای نگهبان هم این است که اگر رئیس‌جمهور دید چیزی خلاف قانون اساسی بود، نباید امضاء کند». چنانکه در پاسخ آیه [جنتی] ملاحظه شد. مورد مهمتر نیز درخور بیان است:

تلاش ناکام در کسب قدرت بی‌حساب

در سال 88 آقای احمدی‌نژاد طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب به اصول متعددی از قانون اساسی استناد کرده و مدعی داشتن اختیارات وسیعی شد که سابقه نداشت و خواهان تعیین تکلیف گردید. رهبر معظم انقلاب بررسی دعاوی را به شورای نگهبان ارجاع فرمودند و طی حکمی دستور دادند که مجمعی متشکل از چند عضو شورا، چند نفر از دولت، چند نفر از مجلس و چند استاد حقوق عمومی از دانشگاه‌ها، آن ادعاها را بررسی و نتیجه را به ایشان منعکس کنند. مجمع مذکور به ریاست آیت‌الله جنتی طی 18 جلسه آن دعاوی را بررسی کرد. جلسات با حضور آقایان جنتی، کدخدایی، علیزاده (از شورای نگهبان)، میر تاج‌الدینی، عزیزی و خانم بوداگی (از دولت)، ابوترابی، دهقان، باهنر و اینجانب (از مجلس) و افتخار جهرمی، مهرپور و مدنی (از دانشگاه) تشکیل می‌شد. سه نفر نیز از دفتر حضرت آقا شرکت داشتند. نتایج این جلسات تقدیم رهبری شد. در جمع‌بندی آقای جنتی به مقام معظم رهبری، تقریباً تمامی ادعاهای آقای احمدی‌نژاد رد شد. پس از این مرحله، متأسفانه به رغم نهی صریح رهبر انقلاب، آقای احمدی‌نژاد همان دعاوی را دادند و بی‌اساس بودن آنها را برای مردم ثابت کردند. تعیین نمایندگان ویژه

در سال 1389، آقای احمدی‌نژاد چهار نماینده از جمله آقایان مشایبی و بقایی را به عنوان نماینده ویژه در امور خاورمیانه، نماینده ویژه در امور آسیا و... تعیین می‌کند. مستند صدور این احکام را نیز اصل 127 می‌خواند.

در حالی که اصل مزبور این کار را تنها با تصویب هیأت وزیران و برای «موارد خاص» آن هم «بر حسب ضرورت» مجاز می‌شمارد. اولاً در احکام مزبور وظائفی مانند «اتخاذ تدابیر هدفمند و هوشمندانه به منظور تعیین و گسترش همکاری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کشورهای منطقه یا تقویت تشکلهای منطقه‌ای» قطعاً نه موارد خاص است و نه با وجود وزارت امور خارجه، ضرورتی وجود دارد. ثانیاً هیچ یک از احکام به تصویب هیأت وزیران نرسیده بود؛ بنابراین صدور آنها

مغایر نص اصل 127 است. شاهد بر این نتیجه‌گیری روشن، این است که احکام قبلی حتی در همین دولت نهم و دهم هر دو شرط مذکور رعایت شده است. مثلاً مصوبه به شماره 1205/ت 802 ه مورخ 11/1/87 و مصوبه به شماره 193578/ت 41834 مورخ 1/10/88.

عدم ارسال مصوبات دولت برای رئیس مجلس

به موجب اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیئت‌وزیران مکلف است مصوبات خود را (اعم از آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها غیر از مصوبات اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی براساس نظر تفسیری شورای نگهبان) جهت نظارت قانونی (احراز عدم مغایرت با قوانین عادی) به رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

این موضوع براساس قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی - مصوب ۱۳۶۸ - و اصلاحات بعدی آن (1378 و 1388) نیز از سوی قانون‌گذار عادی به دولت تکلیف شده است. با این وجود، هیئت‌وزیران حدوداً از ماه پایانی سال ۱۳۸۸ تا اواخر خردادماه سال ۱۳۸۹ از ارسال مصوبات خود به رئیس مجلس شورای اسلامی خودداری کرد که نمونه بارز آن اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی و برخی آیین‌نامه‌های قانون مدیریت خدمات کشوری است.

ابلاغ ضوابط اجرایی قانون بودجه 1389 بدون تصویب هیئت‌وزیران

ضوابط اجرایی بودجه، مانند هر آیین‌نامه دیگری با هدف شفاف‌سازی و تسهیل در اجرای قانون بودجه است. به همین دلیل است که این ضوابط باید نحوه اجرای احکام قانون بودجه سالیانه کل کشور را تعیین، تنظیم و شفاف نماید. اما چون ضوابط اجرایی بودجه سال ۱۳۸۹ بدون تصویب در هیئت‌وزیران مصداق اجرای اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی قرار نمی‌گیرد، بنابراین بندهای مغایر قانون اصلاح نمی‌شود و دستگاه‌های اجرایی نیز باید براساس همان شکل غیرقانونی اقدام کنند یا از اجرا سر باز زنند و از جهت عدم تمکین به دستور رئیس‌جمهور متخلف شناخته شوند. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که در بررسی بندهای این ضوابط به وضوح مشاهده می‌شود که برخی از بندها ترتیبات مقرر در قانون کنار گذاشته شده و مغایر قانون هستند. قانون‌شکنی‌های مربوط به بودجه‌ریزی و اجرای بودجه بسیار متعدد بوده است که ذکر همه آنها در حوصله این نامه بیرون است. تنها یکی دو مورد را ذکر می‌کنم:

نقض قوانین با اوج تخریب و رفتار دوگانه در اصلاح ساختار بودجه‌ریزی

در تهیه و تنظیم لایحه بودجه در تیرماه سال 1386 مذاکراتی بین دولت و مرکز پژوهش‌های مجلس برای اصلاح بودجه‌ریزی آغاز شد و در تاریخ 15/08/86 به تفاهات مکتوبی منجر شد. از جمله قرار شد تعداد ردیف‌ها از 709 ردیف، طبق قانون به 262 ردیف کاهش یابد. بعداً دولت جداگانه چارچوبی ارائه داد که ماده 12 قانون برنامه‌بودجه، ماده 68 قانون محاسبات عمومی و ماده 32 قانون برنامه چهارم را نقض می‌کرد. از جمله مشخصه‌های چارچوب جدید این بود که ردیف‌ها را به 39 ردیف اصلی و بقیه را فرعی قرار می‌داد. این کار که تقسیم قدرت اداری را بر خلاف مصوبات مجلس تغییر می‌داد. یکی از این خطرانی که در پی داشت این بود که رئیس‌جمهور برخی دستگاه‌ها را که زیر بار استبداد وی نمی‌رفتند، از اعتبارات لازم محروم سازد چرا که وی در سخنرانی 7/9/86 خود صراحتاً اعلام کرده بود دلیلی ندارد دستگاهی که از سیاست دولت پیروی نمی‌کند، اعتبار بگیرد.

چارچوب پیشنهادی دولت فرصتی لابی‌گری و اعمال سلیق و پیگیری تمایلات فردی و گروهی و ترجیح منافع حوزه‌ای بر منافع ملی را نسبت به وضع موجود آن زمان، به شدت افزایش می‌داد و با تغییر ردیف‌های قانونی اجرای اصل 55 قانون اساسی را ناممکن می‌ساخت و از این طریق حقوق مجلس را در نظارت بر اجرای بودجه نامقدور می‌ساخت.

رئیس مرکز پژوهش‌ها در تاریخ 1/9/86 طی نامه‌ای اجرای تفاهات را از رئیس‌جمهور درخواست کرد که با دستور مساعد روبرو شد. ولی مسئولان برنامه‌بودجه در کمیسیون براساس همان ردیف اصلی و فرعی گزارش می‌دادند. مجدداً در تاریخ 20/9/86 به ایشان اطلاع داده شد که کار اصلاحات براساس دستور شما بر پایه تفاهات پیش نمی‌رود. بعداً معلوم شد که آقای احمدی‌نژاد در کنار دستور مساعد کتبی، شفاهاً می‌گفت کار خودتان را بکنید. شاهدش هم این بود که بالاخره لایحه بودجه 87 بدون رعایت تفاهات پیش‌گفته، تقدیم مجلس شد با همان تقسیم‌بندی اصلی و فرعی و چند اشکال مهم دیگر که

بی‌انضباطی را به شدت دامن می‌زد. مجلس با زحمت بسیار لایحه را براساس تفاهات انجام شده اصلاح کرد. در حین رسیدگی جناب آقای حجازی جانشین رئیس دفتر رهبر انقلاب، رئیس مرکز پژوهش‌ها را به دفتر دعوت کرد و نامه محرمانه‌ای را به وی داد که در آن، دفتر رسماً به دستور رهبری به آقای احمدی‌نژاد ابلاغ کرده بود که به چهار دستگاه زیر نظر رهبری ردیف مستقل بدهد. آقای حجازی گفتند که چون دستور آقا در تدوین لایحه رعایت نشده شما در تلفیق اضافه کنید و اجازه ارائه نامه محرمانه را به کمیسیون تلفیق نیز داد که این کار انجام شد. متأسفانه در تاریخ 27/12/86 که پیش‌نویس ضوابط اجرایی به طور غیر رسمی به مرکز پژوهش‌ها رسید همان شکل ناقض قانون و قانون اساسی آئین‌نامه تنظیم شده بود. با نامه آئی اشکالات، همان روز به رئیس‌جمهور منعکس شد. ولی روز 28/12/86 بدون اعتنا به تذکرات، همان متن غیرقانونی ابلاغ شد. روز 19/1/87 رئیس مرکز گزارش مواقع را به رئیس مجلس داد و وی نیز آن را مغایر قوانین شناخت ولی کار بر همان مینا ادامه می‌یافت تا اینکه رئیس مجلس به رهبری نامه نوشت و با دستور ایشان ظاهراً گفتند چشم ولی کار را همان طور ادامه دادند و با کمال ناباوری لایحه بودجه 1388 را نیز بر همان سیاق غیرقانونی تنظیم و تقدیم مجلس کرد! شما این لجاجت و تخریب نسبت به قانون اساسی، قوانین عادی و دستور ولایت‌فقیه را چه می‌نامید؟ (تمام مکاتبات در مرکز پژوهش‌ها موجود است و آقای حجازی و دکتر حداد نیز بحمدالله زنده هستند و قابل پرسش)

برداشت‌های غیرقانونی برای واردات بنزین و گازوئیل

طی سال‌های 1387-1391 به دستور آقای احمدی‌نژاد، دولت جمعاً 26 هزار میلیارد تومان بیش از مقادیر مجاز قانونی از منابع ارزی صرف خرید بنزین و مصارف مشابه پرداخت که براساس تسویه حساب فی مابین دولت و شرکت ملی نفت با خزانه داری کل بند (ز) تبصره (1) لایحه 1396 بودجه اجازه داده است که برای سال‌های 1386 تا 1391 اقدام کنند.

بار مالی غیرقانونی مصوبات سفرهای استانی

در سفرهای استانی 84% مصوبات بار مالی داشته است؛ که مقدار آن در 53% موارد معلوم نیست و محل تأمین 40% تصمیمات هم نامعلوم است. بقیه هم یا از ردیف متفرقه است یا اعتبارات دستگاه‌ها به شکل غیرقانونی تأمین شده است. نکته‌ای که درباره تأمین مالی تصمیمات از اعتبارات سایر دستگاه‌ها اهمیت دارد، مخدوش شدن مسئولیت‌های محاسباتی و پاسخگویی است. به عنوان مثال در 29 سفر استانی بررسی شده و طی حدود 114 مصوبه معادل 13 درصد کل مصوبات در

این استان‌ها وزارت نفت موظف است علاوه بر انجام تکالیفی در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی حدود 80 تکلیف دیگر را نیز مانند احداث ورزشگاه، جاده یا ... انجام دهد. ده‌ها مورد قانون‌شکنی از این دست را می‌توان برشمرد. آنچه گفته شد و ده‌ها موردی که ناگفته ماند گرچه بحث اعتقادی و حقوقی بود ولی میزان مدیر و مدبر بودن یا تقوی و امانت را نیز نشان می‌دهد. تنها به دو مورد از نوع مدیریت و تدبیر آقای احمدی‌نژاد اشاره‌ای می‌کنم. در ماه‌های آخر مسئولیتشان، بدون رعایت ضوابط قانونی تصمیمات عجیب و غریبی می‌گرفت. یکی از آنها تفویض اختیار استخدام 1500 نفر به آقای بقابی بود که در بند 6 آن مصوبه چنین آمده است:

«به‌کارگیری و جذب و استخدام افراد از میان افراد و موضوع این تصویب‌نامه و کارکنان نهاد ریاست جمهوری و واحدهای وابسته و تابعه و یا سایر افرادی که هیچ‌گونه همکاری و قراردادی با نهاد ریاست جمهوری و واحدهای وابسته و تابعه ندارند، برای پست‌های حاکمیتی، حساس یا کلیدی یا مدیریتی با تشخیص نماینده ویژه رئیس‌جمهور موضوع بند (۱) این تصویب‌نامه بدون نیاز به آزمون و بدون نیاز به هرگونه شرایط یا موافقت یا تأیید یا تصویب یا ابلاغ از سوی هر مرجع یا مقامی، رأساً توسط نهاد ریاست جمهوری و واحدهای وابسته و تابعه صورت می‌پذیرد.» مورد دیگر مربوط به توفیقاتی است که در عرصه سازندگی کشور از او باقی مانده است. اگر از این حقیقت چشم‌پوشیم که هر عمرانی، کمک به توسعه نیست، این ادعا که منابع بکار رفته به دست آقای احمدی‌نژاد تناسبی با کارهای انجام شده ندارد، حقیقتی تلخ است. طبق آمار بانک مرکزی طی سال‌های 1384 تا 1391 صادرات نفت و گاز کشور مجموعاً بیش از 620 میلیارد دلار بود که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس پس از تعدیل قیمت‌ها، حدود 2 برابر کل عایدات نفتی دولت‌های سازندگی و اصلاحات به شمار می‌رود. جدای از این، تمام منابع حساب ذخیره ارزی و مبلغ 120 هزار میلیارد تومان از فروش سهام شرکت‌های دولتی نیز در اختیار وی بود. با توجه به این ارقام می‌توان او را با اطمینان مصداق این آموزه علوی دانست که «سوءالتدبیر یعنی کثیر المال»، نه مدیر و مدبر. توکلی سپس می‌گوید: بر فرض قبول توانمندی‌هایی در ایشان و فرض محال مبرا بودن از برخی نکاتی که در نامه به آنها اشاره گردیده است و به فرض رسیدن به قدرت با بخش‌های مختلف حاکمیت به دلایل مختلف درگیر شده و با پا گذاشتن بر منافع ملی، کشور را به تنازع شدید سیاسی در عرصه مدیریتی خواهد کشانید. اتفاقی که در ماه‌های آخر دوره قبلی در مواجهه او با مجلس و قوه قضاییه شاهد آن بودیم؛ بنابراین ریاست احمدی‌نژاد ظرفیت بالقوه نزاع داخلی و کشمکش دائم در حاکمیت را دارد. بی‌اعتنایی او به منافع ملی مصادیق بسیار متعددی دارد که یکی از آنها رفتار وی در مناظره‌های سال 1388 بود. آنجا که برخی از اطلاعات سری کشور را برای محکوم نمودن رقیب بر ملا کرد و یا رفتار خلاف شئون اخلاقی رئیس‌جمهور در زمینه‌سازی فتنه تأثیر داشت.

توکلی در این انتهای این نامه نوشته است: برادران ارجمند، اعضای محترم شورای نگهبان! در تاریخ 17/6/1391 خطاب به نمایندگان مجلس نوشتم:

«برادران و خواهران ارجمند، نمایندگان محترم، آقای احمدی‌نژاد مدت‌ها است که اهلیت خود را برای سکان‌داری دولت از دست داده است. هر روز ادامه صدارت ایشان خسارت را برای کشور و مردم و اسلام و انقلاب بیشتر می‌کند. ما باید به یکدیگر کمک کنیم تا این انحرافات و قانون‌شکنی‌ها و بی‌پروایی در گفتار و رفتار شخص دوم کشور مهار گردد و اگر شدنی نیست تعیین تکلیف شود. مردم در فشارند، عزت جمهوری اسلامی نیز در خارج تنها سرمایه ملت‌های مستضعف و شیعیان و مسلمانان است. در چنین وضعیتی رئیس‌جمهور در پربیننده‌ترین زمان صداوسیما بی‌پروا هر حرف خلافی را می‌زند و پاسخ درخور نمی‌شود... مجلس و به طریق اولی رئیس و هیأت رئیسه وظیفه دارند به داد مردم و قانون اساسی برسند و از مجلس که نهاد ضد استبدادی نظام مقدس جمهوری اسلامی است دفاع کنند.»

الان هم به شما در محضر خدای متعال و منتقم و ملت نجیب ایران عرض می‌کنم که این اقدامات، از مصادیق مسلم جرائم مذکور در بخش ذریبط قانون مجازات اسلامی است. بند 10 اصل یکصد و دهم قانون اساسی رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور در انجام وظایف قانونی را بر عهده دیوانعالی کشور گذارده و بررسی کفایت سیاسی وی را وظیفه مجلس قرار داده است که متأسفانه انجام نشد. اگر این وظیفه‌ها تحقق می‌افتد امروز او نمی‌توانست با جسارت، وعده خانمان برانداز و ضد ملی افزایش یارانه نقدی ماهانه به 250 هزار تومان برای همه را طرح کند.

توکلی در این نامه با یادآوری جایگاه شورای نگهبان در قانون اساسی برای بررسی و اعلام صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری، تأکید کرده شما در خیر و شر ناشی از سیاست‌ها، عملکردها و موضعگیری‌های داوطلبی که نامزدی وی را تأیید می‌کنید، شریک هستید و این مسئولیت نه تنها در دنیا، بلکه در آخرت می‌تواند اسباب عزت یا خدای ناخواسته سبب خواری گردد. حال این شماست که باید بی‌صلاحیتی قطعی این فرد را به اطلاع ملت شریف برسانید.

منبع/ خبرآنلاین

برجسب ها: احمدی‌نژاد [1]

شورای نگهبان [2]

انتخابات [3]